

ملاحظات پیرامون امر به معروف و نهی از منکر

محمد رضا زیبایی نژاد^۱

چکیده

گرچه «معروف» و «منکر» از نظر لغوی به معنای شناخته شده و ناشناس است اما مراد از آن افعالی است که خداوند، و یا متشرعه آن را به رسمیت می شناسند (ارزشمند می شمارند) و یا رسمیت آن را انکار می کنند. برخی صاحب نظران بر این باورند که معروف و منکر اخص از واجب و حرام است و نمی توان هر گناهی را منکر و هر واجبی را معروف دانست؛ بلکه گناه صرفاً در این فرض معروف است که عرف آن را به عنوان گناه بشناسد و منکر آن است که عرف آن را گناه بداند. از این رو وجوب امر به معروف و نهی از منکر صرفاً به واجبات و محرماتی که جامعه آن را می شناسد، تعلق می گیرد و گناهایی که جامعه آن را به عنوان گناه نمی شناسد در ابتدا موضوع تبلیغ قرار می گیرد تا به عنوان گناه شناخته شود و سپس از آن نهی از منکر می کنند.

به نظر می رسد چنین کلامی خالی از اشکال نیست و نتیجه اش آن است که اگر شخص قبح گناهی را می داند و انجام می دهد، در حالی که جامعه نسبت به آن گناه آشنایی ندارد، وجوب نهی از منکر نسبت به وی موضوعیت ندارد و این خلاف ضوابط شرعی است. آنچه می توان بر آن صحنه گذاشت آن است که علم به گناه بودن فعل در معصیت بودن آن مؤثر است و تا شخص علم به مخالفت با احکام شرع و عقل ندانسته باشد اصلاً گناهی انجام نداده است تا موضوعی برای امر به معروف و نهی از منکر تحقق یابد. در اینجا صرفاً وجوب تبلیغ احکام شرعی به منظور آگاهی بخشی مورد بحث است.

در نقطه مقابل به نظر می رسد معروف هر امر پسندیده از نظر شرع و عقل و منکر هر امر ناپسند است اعم از این که واجب و حرام باشد و یا مستحب و مکروه. بنابراین امر به معروف امری مطلوب است چه در مورد عمل واجب باشد و چه مستحب. تفاوت در آن است که امر به واجب واجب است و امر به مستحب مطلوب.

واژگان کلیدی: جامعه، شناخت، عقل، امر به معروف، نهی از منکر.

در حقیقت اسلام می خواهد که تمام احاد جامعه نقش خود را در ارتقای فرهنگ اجتماعی ایفا کنند و به وضع کنونی راضی نشوند.

از برخی عبارات می توان دریافت که «معروف» به هر عمل پسندیده ای اطلاق می شود و در اصطلاح اعم از واجب است:

^۱ - عضو هیئت علمی و استادیار مرکز مطالعات حوزه علمیه قم

— وَأَبْتَلُوا أَلْيَتَايَ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا
وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا
(نساء / 6)

— قَوْلُ مَعْرُوفٍ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (بقره / 263)

— وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء / 5)

— در متون روایی هم برخی عبارات نشانگر آن است که معروف در معنای مستحب به کار رفته است.

— «اعصوهن فی المعروف قبل أن یأمرنکم بالمنکر (الکافی، ج 5، ص 517)²»

1- تأثیر ساختارها بر امر به معروف و نهی از منکر: این پرسش اذهان بسیاری را به خود مشغول می کند که چرا با وجود توصیه های مکرر به امر به معروف، تشکیل نهادهایی بدین منظور و صرف هزینه، به مرور این واجب الهی رنگ می بازد. در اینجا لازم است به چند نکته توجه نمود.

اول. تأثیر بخشی امر به معروف منوط به آن است که زمینه های اثر بخشی آن در جامعه موجود باشد. به عبارت دیگر اثر بخشی امر به معروف نیازمند آن است که فضای عمومی و فرهنگ مسلط بر جامعه ارزش هایی چون همبستگی اجتماعی، آینده نگری، نوع دوستی و خدا ترسی را نهادینه کرده باشد. در چنین فضایی نه تنها امر به معروف و نهی از منکر مداخله نا به جا در امور دیگران به حساب نمی آید بلکه هم جامعه خود را در کنار امر به معروف احساس می کند و از این رهگذر به وی اقتدار می بخشد و هم شخص خطاکار احساس می کند که دیگران نگران وضعیت اویند نه مزاحم زندگی وی.

حال باید دید در 25 سال گذشته آنچه در الگوهای توسعه، نهادهای رسمی و غیر رسمی آموزش و حتی در خانواده نهادینه شده مفاهیم و ارزش هایی همسو با جریان یافتن این واجب الهی است یا مانع آن.

دوم. فقدان تئوری منسجم و قابل دفاعی در رابطه دین- دولت، خانواده- دولت و دولت- ملت سبب شده است که تحت شعار «حکومت اسلامی» و «دولت اسلامی» به تأسیس دولتی اقدام کنیم که مهم ترین نمای آن مداخله حداکثری در امور فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. دولت های «بزرگ» اگر چه با شعار دلسوزانه و مردم مدارانه مداخلات خود را توضیح می دهند اما ناخواسته سبب ناتوانی نهادهای مردمی، خانواده و مردم، از عهده داری امور خود می شوند. به عنوان مثال دولتی که به جای تشویق مردم به همیاری اجتماعی برای ساخت مساجد، خود اقدام به مسجد سازی می کند، ناخواسته مردم را به حاشیه می راند، زمینه های خیر را بر بانیان می بندد و دغدغه عمومی را برای حفظ مساجد و جلوگیری از تعطیل شدن آن کاهش می دهد. موضوع امر به معروف و نهی از منکر هم از

²- برخی این عبارت را به نافرمانی مردان در مقابل همسران خود در موارد امر به مستحب معنا کرده اند. (ر.ک: ذیل حدیث در همین صفحه)

مسائلی است که علی‌الأصول مردم باید نسبت به آن حساسیت به خرج دهند و برای تحقق آن اقدام کند. در اینجا لازم است دولت در جایگاه نهاد حساسیت بخش، ترغیب کننده، زمینه ساز، پشتیبان و اقتدار بخش قرار گیرد و نباید این واجب الهی را که در فرض اقدام مسئولانه و از سر درمندی اثر بخش است خواهد بود با اقداماتی کلیشه ای و صرفاً بخشنامه ای کم اثر نمود.

به عبارت دیگر آنچه به نام «دولت اسلامی» در موضع امر به معروف و ناهی از منکر نشسته است، دولت مدرن با ساختاری پیچیده و ناهماهنگ است که نه ضرورتاً دلسوزتر از مردم است، نه کارشناس تر نه مقتدرتر و نه آزادتر از آنان.

سوم. برخی از امور را می توان «مقولات فوق منکر» نامید. مقولات فوق منکر ساختارهایی هستند که منکر تولید می کنند و یا سیاست ها و مقرراتی هستند که «کلان منکر» اند. در شرایطی که ساختارها مردم را به گناه و قانون گذاری تشویق و عرصه های زندگی متدینانه را بر مردم تنگ می کنند چگونه می توان در همان موارد به مردم توصیه دینداری نمود؟ به راستی سیستم بانکی چگونه در ظاهر عقود شرعیه مردم را به سمت ربا سوق می دهد و قوانین خانواده و شروط ضمن عقد چگونه با قوانین به ظاهر زن مدارانه زمینه خیانت علیه زنان و افزایش طلاق توافقی را گسترش می دهند؟

چهارم. ناهماهنگی ساختارها و نهادها سبب می شود که پیام های متعارضی به مردم مخابره شود. به عنوان مثال تبلیغات مستقیم مردم را به اصلاح الگوی مصرف فرا می خواند و آموزش های غیر مستقیم به مصرف گرایی. امروزه تعارض پیام را از زمینه های مهم معضلات اجتماعی و گسترش رفتارهای بدون قاعده می دانند.

پنجم. سیاست زدگی از آفات امر به معروف و نهی از منکر است. به نظر می رسد در کشور ما سیاست زدگی از عوامل مهم «قاعده گریزی» در زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حتی از عوامل «سیاست گریزی» خانواده است. کافی است جزر و مدهایی که به گفتارها، قانونگذاری ها و برنامه ریزی هایی که در پیش و پس انتخابات به میان می آید نگاهی گذرا بیاندازیم و تأثیر تبلیغات انتخاباتی را بر حیای عمومی جامعه و افزایش سطح مطالبات اقتصادی مردم مطالعه و رفتار احزاب سیاسی و رسانه ها و تأثیر آن در بی قاعدگی در رفتار سیاسی را مرور نماییم.

1- ضرورت مطالعات مردم شناسانه: در تحلیل علل و عوامل کامروایی یا ناکامی در امر به معروف و نهی از منکر، در جامعه ایران، علاوه بر مطالعات جامعه شناسانه نیازمند مطالعات مردم شناسانه هستیم. چه ویژگی هایی در جامعه ایرانی است که آن را برای بی قاعدگی در رفتار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مساعد می کند و چه ویژگی هایی در این جامعه است که می توان بر اساس آن به وضعیت موجود سامان بخشید؟ به عنوان مثال جامعه ایرانی را از احساسی ترین جوامع می دانند. تحلیل این ویژگی می تواند برخی معماهای موجود را رمز گشایی نماید.

2- جایگاه خانواده در سیاستگذاری مربوطه: خانواده مهم ترین نهادی است که می تواند زمینه اصلاحات عمومی در جامعه را فراهم آورد. خانواده است که انسان های با ریشه، توانمند، متعادل، همگرا، مصلحت اندیش و آینده

نگر، دلسوز، خدا ترس، کاری و متعهد و یا افرادی منزوی، خود محور و بی تفاوت به جامعه تحویل می دهد. متأسفانه نگرش های غلط دولت سالارانه و کوتاه نظرانه سبب غفلت از این سرمایه عظیم شده است. این که امروزه تبلیغات ما، در موضوعاتی چون حجاب و عفاف، بر دبیرستاها و دانشگاه ها متمرکز می شود خطایی فاحش است که از ضعف بینش ناشی شده است. در حالی که خانواده اولین و مهم ترین نهاد در جامعه پذیری است و فرزندان ما در این نهاد است که با مفهوم «مرز» در روابط خانوادگی و خویشاندی آشنا می شوند بی توجهی به تربیت عقیفانه و تأثیرات پایدار خانواده بر فرهنگ جنسی فرزندان و تمرکز به مراقبت های اجتماعی می تواند به توسعه رفتارهای ریاکارانه در جامعه منجر شود.

1- امر به معروف جمعی: امر به معروف گاه وظیفه فرد است و گاه وظیفه اجتماع. توضیح آن که گناه شخصی و یا نهادی گاه با اقدام فردی اصلاح شدنی است و گاه افراد به تنهایی نمی توانند وضعیت موجود را اصلاح کنند و باید اقدامی جمعی و گروهی انجام شود. در اینجا ثمر بخشی امر به معروف در آن است که چنین پیوندهایی اجتماعی شکل بگیرد. این پیوندها ممکن است به شکل اجتماعاتی چون «اهل مسجد»، «اهل محل»، «طایفه»، «احزاب» و یا «سازمان های مردم نهاد» تحقق یابد. بنابراین برای تحقق این واجب الهی باید به فکر ایجاد و یا تقویت تشکل های سنتی یا جدید (البته با ساختارهای همسو با دین) بود و پیش شرط آن وجود روحیه جمعی است. امروزه با بسیاری از مفاسد عظیم اجتماعی تنها به صورت جمعی می توان مواجهه نمود. در برخی کشورها سازمان های، مردم نهاد اقداماتی انجام می دهند که شبیه به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی است. به عنوان مثال به نهادهای تولیدی اخطار می دهند که باید مصرف انرژی در تولیدات خود را اصلاح کند وگرنه اجناس وی را تحریم می کنند. متأسفانه نگاه فرد محور سبب شده است که هر گاه تصویری از اجتماع در ذهن ما خطور می کند چیزی بیش از تعدادی از افراد از آن نمی فهمیم و به این نکته چندان نمی اندیشیم که برخی آثار، صرفاً اثری است که از «مجموع من حیث المجموع» حاصل می شود نه از انبوهی از افراد بدون لحاظ پیوندهای جمعی.

1- خلأهای مفهومی: نباید گمان کرد که ناکامی های ما در امر به معروف و نهی از منکر صرفاً در ناحیه سسیاستگذاری و اجراست. خلأهای مفهومی نیز سهمی به سزا در این میان دارند و باید اذعان نمود که حوزه های علوم دینی و دانشگاه ها سهم خود را در این رابطه به خوبی ایفا نکرده اند. کم کاری های این دو نهاد، به ویژه حوزه های علمیه، در ایضاح مفهومی، موضوع شناسی و تبیین احکام مربوطه، خود از عوامل ناکامی هاست. به عنوان مثال خلأ پژوهش های ناظر به فقه حکومتی، که وظیفه نهادها و مداخله گران در امور اجتماعی را مشخص کند، مشکلاتی را ایجاد نموده است. مواردی از این خلأ را مطرح کنیم:

اول. امروزه در نهادهای حکومتی «مهمان نوازی» و پذیرایی در خورشان از میهمانان، به ویژه شخصیت ها، کاملاً مقبول تلقی می شود اما این پرسش به وضوح تنقیح نشده است که میهمان نوازی با تکیه بر «اموال غیر» امری مشروع است که باید در این امور طبق عرف عمل شود یا به دلیل آن که خرج میهمانان از بیت المال مسلمین پرداخت می شود باید به حداقل های ممکن اکتفا نمود؟

دوم. اسراف چیست؟ غالباً به آن، چنین گفته می شود که اسراف مصرف زائد بر حد کفاف و نیاز است.

«کفاف» هم نیاز شخص است که به حسب شرایط اجتماعی افراد متفاوت می باشد و میزان آن را عرف مشخص می کند. عرفی شدن حد نیاز و به تبع آن عرفی شدن اسراف ما را با چالشی جدید مواجه می سازد. در عصر جدید که نظام سرمایه داری به منظور حمایت از تولید بیشتر، مصرف را ضرورت نمایی می کند آیا با عرفی سازی حد نیاز دوباره در دام مصرف گرایی، البته با توجیهات ضرورت نمایانه، گرفتار نمی شویم؟ و آیا نیازمند آن نیستیم که به طور روشن تر از «عرف» ابهام زدایی کنیم؟

سوم. علم فقه گر چه احکام تکلیفی مربوط به اشخاص را به دقت بیان کرده است نسبت به تبیین احکام نهادها و شخصیت های حقوقی کم تر حساسیت داشته است. در چنین فضایی نهادهای اجتماعی زمینه ای مناسب برای توسعه مفاسد اجتماعی اند و جامعه ما با پدیده ای به نام «مفاسد تشکیلاتی» مواجه می گردد.

1- ضرورت به کارگیری روش های متفاوت: معادله مقابله با منکراتی که با عنوان ناهنجاری اجتماعی و از سوی اقلیت خطاکار انجام می شود با خطاهای فراگیر که گاه شکل هنجار و رویه مسلط اجتماعی به خود گرفته اند متفاوت است. متأسفانه به این نکته کلیدی اغلب توجه نمی شود و افراد و نهادها با همان روش هایی که باید با خطاهای موردی مقابله نمود با خطاهای شایع برخورد می کنند. به عنوان مثال در طرح امنیت اجتماعی مقابله با اقلیت قدره بند؛ قاچاقچی و مزاحم نوامیس که به طور طبیعی حمایت مردمی را در پی دارد، راهکاری متفاوت از مواجهه با بدحجابی که اکثریت جامعه در آن گرفتار آمده اند، می طلبد. بی توجهی به این تفاوت و به کارگیری روش های خشن در مواجهه با اکثریت و حتی اقلیت بزرگ می تواند به افزایش «هویت مقاومت» و تضعیف رابطه «دولت- مردم» بیانجامد. در خلاف های شایع باید با سیاستگذاری های مناسب و به کارگیری روش های تدریجی احساسات عمومی جامعه را در کنار آمران به معروف قرار داد و آن گاه بر بستر همراهی افکار عمومی اقدام نمود. در اینجا لازم است به تفکیک میان دو موضوع اشاره نمود: گاه ابلاغ احکام شرعی و امر به معروف به عنوان وظیفه الهی و یک «تکلیف» مورد توجه قرار می گیرد. در این صورت آحاد جامعه موظف اند احکام شرعی را به مردم برسانند و در حد میسر نصیحت کنند. اما اگر هدف ما دستیابی به نتیجه یعنی اصلاحات اجتماعی باشد، ضرورتاً باید قواعد آن را شناسایی و به کار بندیم.

روش های متفاوت را می توان با رویکردی دیگر نیز بررسی نمود: آیا نگاه ما به «معروف» آن است که به عنوان یک «قانون» برای زیست اجتماعی مورد احترام قرار گیرد و عملی شود یا آن را به عنوان «تکلیف الهی» که شرط برقراری رابطه مبتنی بر عبودیت است می دانیم و یا آن را به عنوان عملی دارای مصلحت که آثار شگرفی در حیات فرد و جامعه دارد، ارزیابی می کنیم؟ اگر می خواهیم عمل پسندیده (مثلاً رعایت حجاب و ترک دروغ) به عنوان یک ضابطه قانونی پاس داشته شود باید روحیه قانون گرایی را تقویت کنیم و اگر می خواهیم معروف به عنوان عملی پسندیده و ثمر بخش مورد توجه قرار گیرد باید مکانیزم های تربیتی متناسب با آن را به کار بندیم. به راستی در جامعه ای که روحیه قانون گرایی، تعبد و تربیت مصلحت گرایانه در حال تضعیف است چگونه می توان امر به معروف و نهی از منکر را توسعه بخشید؟

1- ضرورت توجه به ادبیات مناسب: برای ترویج آموزه های دینی باید از ادبیات دینی کمک گرفت. تحولات اجتماعی دهه های اخیر، به سمت مدرنیته، ناخودآگاه ما را به این سمت کشانیده است که آموزه های دینی را با ادبیات مدرن ترویج و تقویت نماییم و ناخواسته در دام آموزه های مدرن گرفتار شدیم. به عنوان مثال نهی از اسراف در ادبیات دینی دنیا با آموزه های ناظر به «بهره وری» در ادبیات مدرن تفاوت های اساسی دارد. در ادبیات دینی گذرگاه آخرت است و توجه به لذت های مادی و بهره مندی اقتصادی، گرچه توصیه شده اما در خدمت توجه به ارزش های الهی است. در این نگاه انسان اشیاء را امانت خدا می داند که صرفاً مجاز است در حد کفاف و رفاه آخرت گرایانه از آن بهره مند گردد.

در ادبیات مدرن اما لذت بیشتر اصل حاکم بر اقتصاد است و توجه به بهره وری در حقیقت تعدیل میان خواسته های لذت جویانه با درآمدها و امکانات است نه حاکمیت ارزش های اخلاقی بر رفتارهای اقتصادی. در اینجا ماندویل در کتاب **افسانه های زنبور عسل** به درستی این آموزه کلیدی در ادبیات لیبرالستی را توضیح می دهد که آنچه در عرصه خصوصی فضیلت اخلاقی شمرده می شود، در عرصه عمومی (به ویژه در حوزه اقتصاد) ردیلت است و اگر حرص ارزش غالب بر جامعه نباشد انگیزه فعالیت های اقتصادی کم خواهد شد.

به راستی می توان بر مبنای چنین نگرشی الگوی مصرف را مطابق با دیدگاه های اسلام سازماندهی نمود؟

خاتمه. از آفت هایی که جامعه ما، حتی نخبگان، با آن دست به گریبانند اقدام به اصلاحات و حل مشکلات اجتماعی قبل از فهم صحیح آن و تحلیل زمینه ها، و پیامدهای آن است. برخی مدیران و تصمیم گیران حوصله چندانی برای درگیر شدن با مباحث نظری و فهم کارشناسانه از واقعیت های اجتماعی ندارند و با نگاه های عرفی و البته، چاشنی احساسات مذهبی، می خواهند یک شبه تمام مشکلات اجتماعی را حل کنند. باید اذعان نمود که در دهه های اخیر «گرچه شور» شدن جامعه در فرهنگ اسلامی نتیجه ای معکوس بر جای گذاشته و ضعف تدبیر مشکلات متعددی ایجاد کرده است. به راستی اگر در دهه های اخیر «با قصد قربت» لطمات زیادی به جامعه وارد آمده است این پرسش مطرح می شود که آیا سیستم برنامه ریزی ما با گسترش امر به معروف و نهی از منکر نیز می تواند به عنوان یک منکر احتمالی مورد بحث قرار گیرد؟ والسلام